

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه سوم مرداد ماه ۱۳۲۳ \*

## فهرست مطالب :

- |   |  |
|---|--|
| ۱ - تصویب صورت مجلس                                   | ۴ - تصویب پیشنهاد آقای فولادوند راجع بطرح ماده واحده مربوط |
| ۲ - مذاکره نسبت بورود در دستور                        | باآین نامه مازاد و موکول شدن تعیین تکلیف آن بجلسه آتیه     |
| ۳ - مذاکره و تصویب پیشنهاد آقای طوسی و جمعی از آقایان | ۵ - مذاکره در گزارش کمیسیون دادگستری راجع بااعلام جرم نسبت |
| مسئولیندگان راجع بواگذاری طرح رسیدگی بحساب بیست ساله  | باقای علی سهیلی و ارجاع آن بضمیمه دو اعلام جرم دیگر آقای   |
| بکمیسیون خاص  | فرخ بکمیسیون دادگستری                                      |
|   | ۶ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه                       |

مجلس یکساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای سید محمد صادق طباطبائی تشکیل گردید

صورت مجلس روز یکشنبه اول مرداد ماه را آقای طوسی (منشی) قرائت نمودند \*\*\*

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ آقای یمین اسفندیاری .

یمین اسفندیاری - در صورت جلسه بنده را غائب بدون اجازه نوشته اند در صورتیکه بنده ده روز مرخصی خواسته بودم استدعا میکنم اصلاح شود.

رئیس - اصلاح میشود. آقای سیف پور فاطمی در صورت مجلس است.

سیف پور - قبل از دستور عرضی داشتم.

رئیس - آقای دکتر معاون.

دکتر معاون - در جلسه گذشته چون همکار محترم بنده آقای دکتر کشاورز تشریف نداشتند باینجهت بود که بنده از طرف ایشان از لایحه سازمان بهداری دفاع میکردم و استدعا میکنم که اسم بنده را بجای مخبر کمیسیون بگذارید  
رئیس - همینطور هم نوشته شده است آقای دکتر کشاورز  
دکتر کشاورز - بنده را جزء غائبین بدون اجازه در

\* عین مذاکرات مشروح چهل و هشتمین جلسه از چهاردهمین دوره قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

\*\*\* اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین با اجازه : آقایان عباس مسعودی - نراقی - خاکباز - بیات - رحیمیان - تربتی - اسعد - فناکار - رضانچند - منصف .  
غائبین بی اجازه : آقایان تهرانچی - ثقة الاسلامی - یمین اسفندیاری - خاتم بری - قبادیان - دکتر کشاورز - کامبخش - معذل سلطانی - آصف - شجاع - کفائی - مؤید ثابتی - تیمور تاش

جلسه قبل نوشته اند و واقعاً هم غائب بدون اجازه بودم ولی خواستم باستحضار آقایان نمایندگان محترم پرسام که این غیبت از نظر این بود که بنده ببند پهلوی رفته بودم که از جریان آنجا اطلاع حاصل کنم و البته در یکی از جلسات حضور آقایان نمایندگان اوضاع و خیمی را که در آنجا از حیث قند و چای و قماش وجود دارد و سختیهای آنرا که صیادان آزاد بندر پهلوی که تقریباً اکثریت ساکنین بندر پهلوی را تشکیل میدهند دارند بعرض آقایان نمایندگان محترم خواهم رساند بسهم خودم خدمتی که نسبت ببند پهلوی میتوانم انجام بدهم این است که از حقوق نمایندگان خودم بشفیع شهر و بندر پهلوی صرف نظر میکنم و چون این عمل را بآنها قول داده ام حالا هم بااطلاع مجلس شورای ملی میرسانم که حقوق بنده را ببند پهلوی بفرستند که تحت نظر معتمدین محل که معرفی خواهم کرد صرف بهداشت و فرهنگ و امور اجتماعی بندر پهلوی بشود. (نمایندگان - احسنت. بسیار خوب است.)

**رئیس** - همانطور که آقای دکتر معاون اظهار کردند ایشان آنروز هم عرض کردم که بجای مخبر کمیسیون دفاع میگردند در صورت مجلس هم همین طور نوشته شده مخالفی نیست؟ (گفته شد - خیر) صورت مجلس تصویب شد.

**[۲- مذاکره نسبت ورود در دستور]**

**رئیس** - چند لایحه و طرح داریم پیشنهادی هم شده است. **مهندس فریور** - بنده باورود در دستور مخالفم. (صحیح است.)

**رئیس** - قبل از دستور هم چند نفر از آقایان اجازه نطق خواسته اند (صحیح است) آقای دکتر مصدق.

**دکتر مصدق** - بنده قبل از دستور عرض دارم.

**بعضی از نمایندگان** - دستور.

**حکمت** - اجازه میفرمائید؟

**رئیس** - بفرمائید.

**حکمت** - بنده هم با ورود در دستور مخالفم اگر آقایان بدیده انصاف نگاه کنید اعتراف میکنید که دوره ۱۴ قانون

گزاری صورت عجیبی بخودش گرفته است زیرا که صورتاً هفته سه روز جلسه داریم و آنها هم هیچوقت دیده نشده که از حدود ساعت ۱۱ زودتر تشکیل شود میآیند و می نشینند و چائی هم میخورند بادبزن هم است خوب بالاخره زودتر تشریف بیاورند و جلسات را زودتر تشکیل بدهند، آخر این مملکت يك کارهائی دارد و یکی از حقوق مسلم نمایندگان هم نطق قبل از دستور است که باید گفته بشود و هر وقت هم که میخواهند نطق قبل از دستور بکنند بکنند از آقایان داد میزنند (دستور) اگر عقیده بدستور دارند پس زودتر بیایند و هفته سه روز را چهار روز بکنند و ساعت ۹ بیایند که اگر بخواهند وارد در دستور بشوند بشوند نطق قبل از دستور هم بشود (صحیح است)

**رئیس** - خوب گمان میکنم که دیگر مذاکره ای لازم نباشد آقایانیکه موافقت با ورود در دستور قیام کنند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد. پس اجازه نطق قبل از دستور داده میشود.

### [۳- مذاکره و تصویب پیشنهاد آقای طوسی و جمعی از آقایان راجع بواگذاری طرح رسیدگی بحساب بیست ساله بکمیسیون خاص]

**رئیس** - رای میگیریم بورد در دستور آقایانی که موافقت قیام نمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

پیشنهاد آقای سیف پور فاطمی:

پیشنهاد میکنم که بقیه اعتبارنامه ها جزء دستور امروز قرار گیرد.

**رئیس** - این موضوع جزو دستور هست ولی قبل از این پیشنهاد پیشنهاد دیگری هم رسیده است.

**فولادوند** - بنده هم پیشنهادی دارم استدعا می کنم خوانده شود

**امینی** - بنده با پیشنهاد آقای سیف پور مخالفم

**مظفرزاده** - باید وارد دستور شویم دیگر پیشنهاد موردی ندارد.

**رئیس** - آقای مهندس فریور

**مهندس فریور** - بله بگویی است که بنده دارم يك

عده لواجی است من جمله لایحه استخدام مهندسين من جمله طرح راجع بانتخابات است که اینها باید جزء دستور واقع شود

**جمعی از نمایندگان** - رای بگیرید

**هاشمی** - تقریباً هفت پیشنهاد راجع بدستور رسیده است که کدام موضوع جزء دستور باشد اولی را بنده قرائت کردم که فرمودند جزء دستور هست حالا اجازه بدهید دومی را بخوانم.

**رئیس** - پیشنهاد آقای طوسی:

پیشنهاد میکنم نسبت بدرخواست پیوست که بعرض مجلس رسید رای گرفته شود.

**هاشمی** - پیشنهادشان این است: که در دوره سیزدهم طرح قانونی از طرف این بنده و جمعی از آقایان تقدیم مجلس شده و پس از ارجاع به کمیسیون مبتکرات در مجلس مطرح و مورد توجه مجلس نیز گردیده و به کمیسیون خاص ۱۲ نفری منتخب از شعب رجوع و کمیسیون مزبور با حضور

نمایندگان وزارت کشور و دادگستری طرح نامبرده را تحت مطالعه و بررسی قرار داده است گزارش آن را برای شور اول به مجلس تقدیم نمودند و جزء دستور مجلس شد ولی بواسطه زیادی و تراکم کارها که منتهی به آخر دوره شد

مجال بطرح و شور آن نشد و در بوته اجمال ماند چون گزارش کمیسیون که با زحمات زیادی تهیه و تنظیم شده و قابل استناد است بموجب ماده ۲۳ نظامنامه داخلی پیشنهاد مینمایم

که گزارش نامبرده را به کمیسیون ۱۲ نفری منتخب از شعب اجار بفرمایند که جریان قانونی خود را بیابان برساند.

طوسی و چند نفر از آقایان نمایندگان

**جمعی از نمایندگان** - رای بگیرید

**مهندس فریور** - فقط يك رای لازم دارد قضیه تمام میشود صحبت ندارد آقایان.

**اردلان** - يك رای بیشتر لازم ندارد

**همه نمایندگان** - آقا رای بگیرید دیگر

**هاشمی** - چیرا امروز اینقدر مجلس کم حوصله شده

است و حرف گوش نمیدهد اول پیشنهاد شده بود که اعتبارنامه ها جزء دستور واقع شود و آن را فرمودند که هست ولی این پیشنهاد آقای طوسی رای میخواهد آن یکی نمیخواهد.

**رئیس** - پس مجلس موافقت کرد. حالا رای میگیریم. رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای طوسی که این پیشنهادشان مراجعه شود به يك کمیسیون ۱۲ نفری آقایان موافقین با این پیشنهاد قیام نمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

### [۴- تصویب پیشنهاد آقای فولادوند]

**راجع بطرح ماده واحده مربوط به آئین نامه مازاد و موکول شدن تعیین تکلیف آن بجلسه آئیه**

**رئیس** - آقای فولادوند راجع به مسئله مازاد غله پیشنهادی کرده اند پیشنهاد ایشان مقدم است.

**فرخ** - بنده مخالفم عرض دارم

**طباطبائی** - این برخلاف نظامنامه است اجازه بفرمائید بنده اخطار نظامنامه دارم بر طبق ماده ۱۱۵...

**فرخ** - دستور مجلس معین شده است آنجا هم نصب کرده اند که قضیه سهیلی و چه و چه ساعت که نمی شود

نظامنامه را تغییر داد؟ دستور معین شده است و اعلام شده است دیگر نباید تغییر داد.

**رئیس** - صحیح است دستور مجلس معین شده است و در تابلو هم گذاشته شده ولی بعد از این که جلسه شد در هر موقع

که مجلس لازم بداند میتواند دستور خود را تغییر بدهد. آقای مجد ضیائی

**مجد ضیائی** - قسمت اخیر ماده ۱۱۵ نظامنامه مینویسد مجلس در هر موقع که صلاح بداند میتواند دستور خود را

تغییر بدهد. (صحیح است)

**رئیس** - اول باید به پیشنهاد آقای فولادوند رای گرفته شود بعد به پیشنهاد های دیگر

**طباطبائی** - ماده ۱۱۵ را ملاحظه بفرمائید تعیین

جلسات و تعیین دستور بامقام ریاست است این عملی نیست که در هر جلسه راجع به هر موضوع مدتی صحبت کنیم که چه

چیز مطرح شود و برای هر مطلبی ۱۰ یا ۱۵ پیشنهاد داده شود و صرف وقت کنیم این ترتیب خوب نیست آقا الان مدتی است که ما حرف میزنیم که پیشنهاد آقای فولادوند تصویب بشود یا مال آقای فرخ این جریان مجلس و سوابق مجلس غیر از این است يك مطالبی در دستور هست و آقای رئیس بنوبه آن مطالب را باید طرح بفرمایند که بکارهای دیگر هم برسیم و قضیه انجام داده شود.

**رئیس** - آقای فولادوند

**فولادوند** - عرض کنم... (هاشمی) - پیشنهاد شما را هنوز نخوانده‌ام) بدهید خودم میخوانم

**فرخ** - چرا دستور را طرح نمیکنید؟ چه چیز مطرح است  
**رئیس** - پیشنهاد آقای فولادوند.

**فرخ** - موضوع سهیلی چه شد؟

**فولادوند** - ... نوبت با آقای سهیلی هم میرسد آقا يك

خصوصیت در بین است و يك مملکت دارد میسوزد و اختیار با مجلس است رأی بگیرید اگر تصویب شد که مطرح بشود پیشنهاد بنده این است «پیشنهاد میکنم طرح مربوط بغله رعایا امروز در دستور گذارده شود.» زیرا در اثر عدم توجه دولت بکلی رعایا از برداشتن خرمن ها مأیوس و حتی اگر محصول آماده در خرمن توجه بآن نشود سال دیگر رعایا بکلی از هستی ساقط میشوند. این يك طرحی است که در ۴ روز قبل به مجلس آمده است این را حالا اگر رأی داده شد که جزء دستور بگذارند و اگر رأی داده نشد که نگذارند اصلاً اجازه نمیدهند مردم حرف بزنند بعلاوه برای کی این قانون را میخواهید؟ برای وقتی که خرمن برداشته شد و پدر رعیت بیچاره در آمد؟ اگر این قانون بموقع خود تصویب نشود نه زراعت میکارند و این محصول هم بکلی از دست خواهد رفت. این را استدعا میکنم که از مجلس رأی بگیرند اگر تصویب شد که در دستور بگذارند والا خارج شود.

**جمعی از نمایندگان** - عده برای رأی کافی نیست

**رئیس** - عرض کنم عده کافی نیست و دو پیشنهاد است یکی پیشنهاد آقای فولادوند و یکی پیشنهاد آقای فرخ است و

نخواهند که امروز این موضوع مطرح شود. اولاً مینویسد اگر مطلب مربوط به وزرای مسئول باشد ولی این قضیه اصلاً مربوط به وزراء نیست این قضیه مربوط به محصول و سهم رعایا است که میخواهند از دستش بگیرند و مجلس شورای ملی نمیگذارد و این مطلب بهیچوجه منالوجوه به هیچ يك از وزارتخانهها ارتباط ندارد.

نمیدانم چرا مجلس شورای ملی میل دارد که يك قضاوت غیر صحیحی بکند میفرمایند در موقعی که طرح مطرح میشود وزیر مسئول باید حاضر باشد ولی این مربوط به وزرای مسئول نیست و این بر خلاف قانون و بر خلاف مصلحت مملکت است و اکثریت نمایندگان میدانند و معتقدند که اینکار بر خلاف عدالت است و برای لغو او مجلس شورای ملی میخواهد يك طرحی بگذراند که حقوق رعیت حفظ بشود دیگر آمدن وزیر مسئول معنی ندارد ولی با وجود این بنده با نظر آقای دکتر زنگنه که فرمودند وزیر دارائی بلکه همه وزراء هم حاضر شوند مخالفت نمیکنم اما اینکار ربطی بوزیر مسئول ندارد.

**رئیس** - آقای نقابت.

**نقابت** - عرض کنم که تمام فرمایشات آقای امیر تیمور از نظر حق اگر صحیح باشد توجه بقانون اساسی صحیح تر است زیرا وقتی در قانون اساسی پیش بینی شده است طرح نمایندگان لازم است در حضور وزیر مربوط باشد و وزیر مربوط حاضر نیست دیگر مورد ندارد.

**طباطبائی** - پس چرا طرح کردند باین ترتیب امکان ندارد طرح بشود.

**نقابت** - اجازه بفرمائید هنوز طرح نشده گفتند مطرح می کنیم زیرا که قانون اساسی مهم تر است و نبایستی نظامات مجلس یا سابقه عمل در مجلس اختلالی در قانون اساسی ایجاد بکند البته جمع آوری غله و تأمین خواربار در اختیار دولت و در اختیار وزارت دارائی و در تحت نظارت رئیس کل دارائی قرار گرفته است و در مجلس نباید این طرح بشود و چون این طرح بر خلاف قانون اساسی است و قابل مطرح شدن در مجلس نیست.

**مجدضیائی** - آقا بنده مخالفم عرض کنم اصل چهلم قانون اساسی بر خلاف فرمایشات آقا است و میگوید در موقع مذاکره و مذاقعه لایحه مذکور در اصل سی و نهم چه در مجلس و چه در انجمن تحقیق اگر لایحه مزبور راجع بیکسی از وزراء مسئول باشد مجلس باید بوزیر مسئول اطلاع داده که اگر بشود شخصاً و الا معاون او بمجلس حاضر شده مذاکرات در حضور وزیر یا معاون او بشود و حالا معاون آقای وزیر حاضر است و اشکالی ندارد.

**رئیس** - چون پای قانون اساسی در میان است باینجهت بنده هم میخواهم که مراعات بکنم میخواهید بفرستیم قانون اساسی را بیاورند.

**امیر تیمور** - آقا قانون اساسی اینجا هست میگوید ماده چهلم در موقع مذاکره و مذاقعه لایحه مذکور در اصل سی و نهم... اجازه بفرمائید اصل سی و نهم را بخوانم: اصل سی و نهم - هر وقت مطلبی از طرف یکی از اعضای مجلس عنوان شود فقط وقتی مطرح مذاکره خواهد شد که اقلاً پانزده نفر از اعضای مجلس آن مذاکره و مطلب را تصویب نمایند در اینصورت آن عنوان کتباً بر رئیس مجلس تقدیم میشود رئیس مجلس حق دارد که آن لایحه را بدو در انجمن تحقیق مطرح مذاقعه قرار بدهد - حالا اصل چهلم میگوید که در موقع مذاکره و مذاقعه لایحه مذکور در اصل سی و نهم چه در مجلس و چه در انجمن تحقیق اگر لایحه مزبور راجع بیکسی از وزراء مسئول باشد باید مجلس بوزیر مسئول اطلاع داده که اگر بشود شخصاً و الا معاون او بمجلس حاضر شده مذاکرات در حضور وزیر یا معاون او بشود این البته راجع بمطالبی است که مربوط بیکسی از وزراء باشد و باید او را احضار کرد تا توضیح بدهد و الا حضور او موضوعی ندارد.

**رئیس** - آقای دکتر اعتبار.

**دکتر اعتبار** - فرمایشات آقایان در موضوع اینک عدم دخالت وزیر در این کاربرد خلاف قانون اساسی است وارد نیست بعقیده بنده زیرا درست است که طبق قانون وزیر دارائی

يك نظارت عالیة در امور مالیه دارد و کارهای راجع بنحو ارباب نیز تحت نظر او باید انجام بگیرد ولی عملاً می بینیم اینطور نیست و هیچ مداخله ایشان ندارند با این اختیارات بنابراین بانظر آقای امیر تیمور موافقم که طرح جزء دستور مطرح شود.

**جمعی از نمایندگان** - اینطور نیست آقا وزیر در همه چیز نظارت دارد.

**رئیس** - آقای مهندس فریور.

**مهندس فریور** - آقا واقعاً ما طرز عمل غریبی داریم ما یکساعت صحبت میکنیم که راجع بچه صحبت میکنیم آقای دکتر زنگنه ماده نظامنامه را خواندند. آقای امیر تیمور هم موافقت فرمودند که برای جلسه آتیه بگذاریم و اینکار را تمام کنیم برود پی کارش تمام بشود و مطلبی را طرح کنیم که در آن بایستی مذاکره بشود.

**رئیس** - بسیار خوب میگذاریم برای جلسه آتیه تا وزیر هم بیاید بعد از آنهم بهمان ترتیبی که آقای مهندس فریور فرمودند سایر طرحها جزء دستور است.

**۵- مذاکره در گزارش کمیسیون دادگستری راجع باعلام جرم نسبت به آقای علی سهیلی و ارجاع آن بضمیمه دو اعلام جرم دیگر آقای فرخ بکه کمیسیون دادگستری**

**رئیس** - پیشنهاد آقای فرخ راجع باعلام جرم نسبت با آقای سهیلی مطرح است.

**فرخ** - اجازه میفرمائید؟

**رئیس** - بفرمائید.

**طباطبائی** - آقا بفرمائید گزارش را بخوانند.

**فرخ** - گزارش را خوانده اند.

**رئیس** - بفرمائید.

**فرخ** - قبل از شروع بموضوع اتهام سهیلی باستحضار مجلس میرسانم بنده مفتخرم بدیانت اسلام و طریقه انئی عشری و خدا را بشهادت میطلبم و بان قرآنی که قسم خورده ام تجدید قسم میکنم که من اینصورتی را که امروز بعرض مجلس میرسانم هیچگونه غرض شخصی ندارم و نظرم فقط حفظ حقوق عالیة کشور و حفظ اصول آزادی و مشروطیت است. کمیسیون

این شهر راهم دعوت کرده بودند برای ناهار در این جلسه آقای سهیلی با کیسه عریض و طولی که دوخته بودند حاضر شده بودند اصول انتخابات را بین اینها طرح کردند و تمام تشنجات انتخابات تهران مربوط به همین جلسه و همین اشخاص پولدار بود (یکی از نمایندگان - اسمشان را بگوئید) آقایانیکه بودند میدانند منزل خسر و شاهی بود (طباطبائی - دیگر کی بود؟) بنده که عضو تأمینات نیستم آن کسانیکه پولدار بودند و آن تشنجات را در انتخابات تهران و سایر شهرستان ها ایجاد کردند همان کامیون ها با همان رعایا و همان اشخاص آیا اینها برای کسی مخفی است؟ آقای طباطبائی رئیس انجمن نظارت انتخابات تهران بودید مگر جنابعالی بایشان نوشیدید که اگر رئیس بلدیة در انتخابات مداخله اش را مرتفع نکنند من انتخابات را تعطیل میکنم سهیلی جواب داد که اگر اعضای شهرداری مداخله کرده اند اعضای انجمن هم مداخله کردند و رئیس شهرداری و معاونش را مرخصی داد در حالیکه این موضوع را باینکه تصدیق ضمنی کرده است باید اگر مقصر بودند بدهد به محکمه و اگر مقصر نبوده اند باید در مقابل اظهارات رئیس انجمن دفاع بکنند ولی اصول ماست مالی را بکار بردند برای اینکه اگر میخواستند به محکمه بدهند کار خودشان کشف میشد و اینکار را نکردند منتهی یک موضوع است و آن این است که آقایانیکه با پول اقدام کردند در انتخابات تهران موفق نشده اند این یک چیزی نیست که مخفی و مستور باشد از انتخابات تهران میگذرم آقایان نمایندگان آذربایجان شما مردمان صریح اللحجه و با شهامتی هستید علت اینکه ده ماه انتخابات آذربایجان معطل ماند چه بوده است؟ تلگرافاتی که آقای علی سهیلی با آذربایجان کردند در کیفیت بنده موجود است که بعضی از آنها را هم تقدیم خواهم کرد آقایان خوب به جزئیات مستحضر هستند تلگراف ۱۴۶۶ که در پرونده انتخابات شماره ۸۵۵۶ ضبط است و حتماً با مضای خود شما ها است آیا با آن اطلاعی که دارید شما میتواند بگوئید که آقای سهیلی در امر انتخابات دخالت نکرده است؟ آقایان نمایندگان خراسان، آقای امیر تیمور

بنده جنابعالی را یکی از اشخاص حدین و با وجدان و وطنپرست میدانم ۳۰ سال هم هست باشما سابقه دارم در انتخابات خراسان پرونده در جز را چرا رد کردند جز برای مداخله مأمورین دولت بود؟ خواهند گفت که منصور اینکار را کرده است منصور استاندار کدام دولت بوده است؟ نصیر همان دولتی است که مسئول این انتخابات بوده است؟ مردم تلگراف کردند که این استاندار دارد تحمیل میکند چرا او را عوض نکرده اند؟

**طباطبائی** - حسابهای شخصی را بگذارید کنار

**فرخ** - بنده حساب شخصی با هیچکس و بهیچوجه ندارم از آنجا هم میگذرم آقایان نمایندگان کرمان، تلگرافاتی که سهیلی میکند بجا کم کم به دکتر ملکزاده را از صندوق در بیارید من از آن بین دکتر ملکزاده و حاکم کم کم را شنیده اید یا خیر؟ (محمد طباطبائی - این خارج از موضوع است) خیر این مربوط بموضوع است آقای رفیعی کجا هستند؟ آیا اینطور هست یا نیست؟ (رفیعی - بلی بعداً عرض خواهم کرد)

**محمد طباطبائی** - آنچه را که کمیسیون رأی داده است روی آن مذاکره کنید و اگر دلایل دیگری هم دارید بعد اعلام جرم کنید

**فرخ** - بسیار خوب، آقایان نمایندگان، آقای حشمتی این مداخلاتی که در امر انتخابات محلات شده با آقای کاظمی هم اطلاع داده شد بفر از این بود که آقای سهیلی کرد؟ آقای شهاب خسروانی را کی برای آنجا تراشید غیر از این که آقای سهیلی کرد؟ تلگراف دیگری را که کسان شما از محلات کردند که رئیس دولت رشوه میخواست این تلگراف موجود است آیا این صحیح است یا خیر؟ حالا در این قسمت من آقایان را به قرآنی که قسم خورده اند توجه میدهم (ذکائی - نماینده حق دارد صحبت و اطلاعات خودش را بعرض مجلس برساند) آقایان با این قسمی که شما خورده اید و اطلاعاتیکه دارید آیا وجداناً میتوانید تصدیق کنید که سهیلی در امر انتخابات دخالت نکرده است؟ بنده تصور میکنم که ما باید یک قدری به ملت نزدیکتر بشویم و برای حفظ حیثیات مجلس شورای ملی بیطرفانه قضاوت کنیم و برای اینکه حق ملت را حقیقتاً کرده باشیم قضیه را قابل رسیدگی بدانیم زیرا اگر سهیلی

بی تقصیر است محکمه تمیز او را تبرئه خواهد کرد و اگر مقصر است ما برخلاف وجدان رفتاری نکرده ایم زیرا ما فقط میگوئیم که موضوع قابل رسیدگی است اینجا موضوع مجرمیت در بین نیست مجرمیت را باید دیوان کشور رسیدگی کند اعضای کمیسیون دادگستری راجع باین قضیه بنظر بنده يك موضوع را فراموش فرمودند و آن اصل ۶۱ متمم قانون اساسی است و در آنجا مطرح است موضوع مسئولیت مشترك وزرا و مخصوصاً در انتخابات سهیلی به تمام شهرستانها در تمام امور تلگراف مستقیم میگرد و دخالت میگرد در موقع انتخابات بندر عباس وزیر کشور تلگراف می کند اولی مقدم است ولی رئیس الوزراء تلگراف میکند د کتر مصباح زاده را فراموش نفرمائید اولی را محکوم کردیم دومی را تبرئه کردیم این جا بنده خواستم عرض کنم که کمیسیون یک قدری اشتباه کرده است و الا چطور ممکنست که بگوئیم تدین محکومست و این با اینکه شرکت در جرمش اقلان ثابت هست او را تبرئه کنیم؟ اعلام جرمی که بنده کردم نسبت به انتخابات تمام کشور بود ولی کمیسیون دو موضوع را مطرح کردند بنده هم فعلاً میروم روی همان دو موضوع که آقای طباطبائی خیلی علاقمند بودند و همان را عرض میکنم. بکروز يك کسی را آوردند بمنزل من معرفی کردند که آقای گرگانی است و بنده با وجود اینکه در وزارت کشور بودم ایشان را نمی شناختم این شخص گفت که سهیلی بمن امر کرد که بروم بندر عباس و آقای مصباح زاده را از صندوق در بیاورم من هم رفتم جد و جهد هم کردم ولی مردم مقاومت کردند و مرا هم بی جهت منتظر خدمت کردند و بمن مبلغ عمده ای خسارت آوردند این تلگرافها نیست که به بنده شده است و تلگرافها را داد به بنده بنده هم تلگرافات را مطابق جزء دوم از ماده دوم قانون محاکمه وزراء آوردم در مجلس شورای ملی و اعلام جرم کردم بعد مطلع شدم دو نفر از مدیر کل های وزارت کشور ایشان را بردند در منزل آقای سهیلی و ایشان را راضی کردند آقای د کتر عبده شما قاضی بودید. آقای نقابت آیا مذاکرایی که آقای گرگانی و سهیلی کرده اند در کمیسیون تبانی آیند و نفر را روشن میکنند یا خیر؟ وجداناً بگوئید حالا اظهارات دو نفر تبانی کننده باشد مسئولیت سؤال میکنند

کاندیدهای بندر عباسی کی هستند کی زمینه دارد؟ میگوید مصباح زاده مشیر دوانی و گله داری تدین تلگراف میکنند که اولی مقدم است سهیلی تلگراف میکنند که د کتر مصباح زاده را فراموش نکنید و بعد هم يك تلگراف میکنند که خیلی محرمانه (ولی بی سروصدا) تمام کنید در این جا گویند منظور کمیسیون رعایت علم معانی بیان بوده است که الکنایه ابلغ من التصريح تدین را مجرم تشخیص داده و سهیلی را تبرئه کرده بعلاوه اعضای کمیسیون میگویند این تلگراف تصور ما این بود که اگر زمینه دارند، آقایان سؤال میکنم که آقای مصباح زاده را فراموش نکنید این قابل تفسیر است؟! در عرف کلمات يك معنی دارد میز یعنی میز از میز که کلمه چهل چراغ مفهوم نمیشود میگوید د کتر مصباح زاده را فراموش نفرمائید. در دوره چهارم یا پنجم بود يك تلگرافی شده بود بوقیان که کره اسب را فراموش نفرمائید آقای مدرس اعلام جرم کردند در مجلس اینکه صریحاً میگوید که مصباح زاده را فراموش نفرمائید (خنده نمایندگان) من نمیدانم چطور کمیسیون عدلیه در این باب تردید داشته است با وجود این ضمناً میگوید تلگرافی هم شده است که آزاد است این تلگراف مجعول است و در تلگرافخانه اثرش نیست بندر عباس هم مخبره نشده يك نکته دیگر هم در گزارش کمیسیون دادگستری موجود است که نوشته است تلگراف رمز بی امضا و بی تاریخ. آقای نجومی جناب عالی خداوند تلگرافخانه آید؟ آیا تلگراف رمز را ممکن است بدون نمره مخبره کنند چنین موضوعی سابقه دارد؟ (نجومی - خیر) (طباطبائی - نمره را عوض و مجعول کرده اند) خیر آقایان ممکن نیست تلگرافی که شده است نمره داشته است نمره آن ۱۵۵۹ و جوابیکه داده شده است نمره ۳۰۳۷ است در تلگرافخانه هم هست کمیسیون دادگستری چرا اصل تلگراف را از تلگرافخانه نخواستند تا اصلش را بگذارند بیشتان، از این موضوع هم بنده میگذرم حالا يك موضوع دیگر هم هست و آن انتخابات شهرضاست حاکم آنجا میگوید که من را خواستند با اتفاق شیروانی و گفتند که ایشان را باید از صندوق در بیاورید من رفتم در محل و هر چه کوشش کردم نشد گفتم که همیشه فرض کنیم که این اظهارات حاکم شهرضا دروغ است نباید

سهیلی جواب این تلگراف که شیروانی را نمیشود انتخاب کرد داده باشد که هر کس را که مردم بخواهند انتخاب کنند ولی جواب میدهد دستور همانست که دادم آیا با همین سؤال و جواب صحت اظهارات فرماندار شهرضا ثابت نیست مجدداً تلگراف میکنند که آقای پیش نمیرود منتظر خدمتش کردند. وزارت داخله و همانهایی که در این مجرمیت هاشريك هستند میگویند که چون مقروض بود او را منتظر خدمت کردیم آقایان خودتان هم در اداره بوده اید هر کس که مقروض باشد و ثروت نداشته باشد اگر معیل نباشد يك ثلث از حقوقش را کسر میکنند حاکم شهرضا خودش این موضوع را توضیح میدهد آیا این خلافکارها با وجود این توضیحات و این تلگرافات ثابت نیست؟ خود این توضیح و تلگرافات ثابت میکند اظهارات حاکم شهرضا را که چون دستورات آقای سهیلی قابل اجرا نبوده است این بیچاره را منتظر خدمت کرده اند و حالا چطور شد که اظهارات فرماندار بندر عباس وحی منزل و اظهارات فرماندار شهرضا قابل قبول نشد این را هم بنده میخواستم بدانم که کمیسیون روی چه اصلی در این موضوع اینطور اظهار نظر کرده است؟ موضوع انتخابات يك موضوعی است که از مکران تا ما کو و از خر مشهر تا سرخس تمام افراد این مملکت وارد بوده اند تمام اهالی آنها کشته دادند محبوس داده اند تبعید شده اند هزاران بلا برشان آمده است حالا ما بیائیم بگوئیم که خیر دولت هیچ دخالت نکرده؟ آیا روی این رأی ما ملت با چه نظری نگاه میکند؟ آیا این قضاوت را بیطرفانه تلقی خواهد کرد؟ حالا فرض کنیم که آمدیم و گفتیم که جریان انتخابات دوره ۱۴ بدست یگانه آزاد بخواه آقای سهیلی انجام شد آیا این جریانی که بوده است و این عملیات خلافی که بوده است که همه مردم مستحضر هستند فراموش خواهند کرد؟ من در اینجا باید عرض کنم که همکاران خودم را مردمان متدین و با وجدان و شریف میدانم ولی تذکر عرض میکنم که این نکته را توجه نفرمائید که ۹ دوره انتخابات با اصول دیکتاتوری و آنطورها بود که میدانید دوره چهاردهم

را که مشروطیت سوم میگویند ملت خیال کرد که شاید بتواند بحق خودش برسد بدبختانه این دوره را هم آقای سهیلی آلت و ملعبه خودش قرارداد ممکنست که يك اشخاصی هم بیایند رئیس الوزراء بشوند و فکر کنند که ما يك عده را که انتخاب کردیم هیچ باعث اشکالی برای ما نخواهد شد و اگر هم ما را تعقیب کردند نمایندگان ما ما را قابل تعقیب نخواهند دانست ولی وظیفه ما این نیست آقایان باید مجلس شورای ملی طوری عمل کند که دیگر هیچ يك از وزراء و هیچ دولتی جرئت اینکند که در امر انتخابات برخلاف قانون قلم بر روی کاغذ بگذارد نکند (صحیح است) زیرا آزادی انتخابات دوره های بعد منوط باین رأی است که شما میدید اگر خدای نکرده در این باب مختصر اشتباه یا مختصر انحرافی حاصل شود خدایمیداند که انتخابات ادوار بعد را ما باید از سر فنظر کنیم اشخاص بولداری زیاد و اشخاص بیوجدان زیاد و بدبختیهای در این مملکت ایجاد خواهد شد که هیچيك از آزادیخواهان روی آزادی انتخابات را نخواهند دید (صحیح است) بعضی به بنده گفتند که این اعلام جرم شما ممکنست به نتیجه نرسد، استدعا می کنم توجه کنید، برای اینکه دوسیه های انتخابات نیامده است بنده به آنها جواب دادم که شما اشتباه میکنید من اطمینان دارم که نمایندگان مردم با وجدان و با ایمانی هستند و اگر حقایق برای آنها روشن شود ممکن نیست از راه خود منحرف بشوند حالا دلیل آن اینست که مداخلات سهیلی در امر انتخابات بقول عرفا عین الیقین است یعنی خیلی واضح است بطوری که بنده گمان نمی کنم کسی در این اطاق نشسته باشد و دخالت های سهیلی را در امر انتخابات نداند حالا بنده انتظار دارم که ما از روی وجدان و ایمان قضاوت کنیم تا نزد خدا و خالق خدا شرمنده نباشیم در موضوع طرح اعتبار نامه ها خیلی از آقایان بیاناتی کردند آقای د کتر مصدق فرمودند که سهیلی آزادی انتخابات را اعلام کرد ولی دروغ گفت و حتی فرمودند ضمن شبابه به ما ظلم در اطراف وضع انتخابات هم بیاناتی فرمودند آقای د کتر شفق هم فرمودند آقای کاظمی هم در امر انتخابات محلات چندین مرتبه صحبت کردند همه اینها شکایت از

مداخلات سهیلی بود و حتی روزی که در حضور اعلیحضرت شریاب شدیم آقای ملک هم آن روز تشریف داشتند آن روز هم شکایت از مداخلات دولت بود در امر انتخابات آیا با این مقدمات ما میتوانیم بگوئیم که سهیلی در امر انتخابات دخالت نداشت؟ و حالا بنده بیش از این وقت مجلس را نمیتوانم بگیرم ولی باید بگویم که مافلاً روی يك صندلی نشسته ایم که باید شکایات اهالی این مملکت را مورد رسیدگی قرار بدهیم اگر ما این موضوع را قابل رسیدگی بدانیم موضوع در دیوان کشور تعقیب خواهد شد ولی اگر ما موضوع را قابل تعقیب ندانیم در حالی که بعقیده بنده صد در صد این شخص مداخله داشته و مجرمیت او در این قضیه محرز است ملاحظه کنید که ما در مقابل تاریخ مشروطیت و در مقابل وجدان و ایمان خودمان چه وضعیتی خواهیم داشت. برای تکمیل عرایض خودم يك مختصر دیگری راجع به دو فقره اعلام جرم نسبت به سهیلی است که عرض میکنم:

آقای علی سهیلی در موقع تصدی نخست وزیری از مقام خود سوء استفاده نموده و در انتخابات تبریز و اهر اعمال نفوذ نموده و اشخاص معینی را دستور داده است که انتخاب نمایند و تلگراف شماره ۱۶۶۶ تبریز که در پرونده شماره ۸۵۵۶ ضبط است از نظر هیئت محترم خواهد گذشت و چون این عمل مشمول ماده ۸۳ و ۱۲۹ قانون مجازات عمومی است طبق ماده ۲ قانون محاکمه وزراء نسبت بمشار الیه اعلام جرم نموده تعقیب قانونی مشار الیه را تقاضا مینمایم. رو نوشت چهار تلگراف که به تبریز و خلخال مخبره و پاسخ داده شده بضمیمه تقدیم میشود.

مجلس شورای ملی. آقای علی سهیلی در موقع تصدی نخست وزیری از مقام خود سوء استفاده نموده و در انتخابات شیراز و جهرم و آباد اعمال نفوذ نموده و اشخاص معینی را دستور داده است که انتخاب نمایند چون این عمل مشمول ماده ۸۳ و ۱۲۹ قانون مجازات عمومی است طبق ماده ۲ قانون محاکمه وزراء نسبت بمشار الیه اعلام جرم نموده تعقیب قانونی مشار الیه را تقاضا مینمایم و رو نوشت دو تلگراف یکی از

طرف سر لشکر جهانبانی و دیگری دستور سهیلی بر خلاف قانون بمشار الیه ضمیمه میشود.

در آخر عرایض عرض میکنم آقای دکتر عبده شما پسر يك نفر از فاضلترین و محترمترین و خوش سابقه ترین ورشدترین قضات این ممالک هستید من شمارا خلف خلف میدانم د کتر در حقوق و مردم با کداهن و مبرز و از قضات باشاهمت هستید شما مخبر کمیسیون بودید و در کمیسیون مخالف بودید و رأی ندادید و راپرت را هم که امضاء کرده اید برای انجام وظیفه است این موضوع را بنده واجب کفائی میدانم و واجب عینی میدانم لازم هم نیست، متعددی است و واجب است که وقتی آمدید پشت این تریبون توضیح دهید چون این موضوع خیلی مهم است این يك موضوعی است که آئینه انتخابات این کشور مربوط به رأی امروز شما خواهد بود و تقاضا میکنم همه آقایان وجدانتان و قرآنی را که قسم خوردید در مقابلتان حاضر و ناظر بدانید بدانید که ملت ناظر اعمال شما هست و همه ملت منتظر و مترصد عمل شما میباشد حال خود دانید و وجدان خودتان.

**دکتر کشاورز** - برای اینکه ما روشن بشویم راجع به زابل هم اگر چیزی هست بفرمائید.

**فرخ** - اگر آقایان اجازه میفرمایند عرض میکنم: بنده از سال ۱۳۳۴ کار گزار (جمعی از نمایندگان - این مطرح نیست آقا) حالا که آقایان اجازه نمیدهند عرضی ندارم. ممکن است بطور خصوصی از آقای منصف سؤال کنید.

**رئیس** - آقای نقابت.

**نقابت** - بنده تصور میکنم که قضاوت مجلس شورای ملی همیشه ممکن است يك قضاوت سیاسی باشد ولی در بعضی از امور قضاوت مجلس شورای ملی باید متکی بقوانین و اصول باشد (صحیح است) و آن فقط همین مورد است. در قانون محاکمه وزراء رویه مجلس اینطور فرض شده که کمیسیون دادگستری سمت مستنطق دارد و مجلس شورای سمت دادستان نظریه را که کمیسیون اتخاذ می کند مجلس شورای ملی یا تأیید میکند و یا نسخ میکند و برمی گرداند اما تفاوتی که گذاشته شده است این است که هرگاه کمیسیون دادگستری رأی به قابل تعقیب

بودن وزیری صادر کرد مجلس شورای ملی در آن بحث نمیکند و آن قضیه را عیناً بدیوان کشور احاله می کند اما در مورد رأی برائت وارد موضوع و توجه و رسیدگی با اساس و دلایل اتهام می شود این مسئله يك موضوع خالص قضائی است یعنی يك مسئله سیاسی نیست که مجلس شورای ملی بخواهد نظر خودش و علم و اطلاع خودش را در امور دخالت بدهد ممکن است نمایندگانی از قبیل بنده و آقای فرخ اطلاعاتی زائد بر آنچه که در این گزارش نوشته شده داشته باشیم ممکن است اسناد قویتری برای آن وزیر یا وزیر دیگری داشته باشیم ممکن است بعضی از رفقا و آقایان مسائلی را بدانند حتی قضیه پول خرج کردن و چیزهای دیگر را بدانند اما این مسائل در گزارش کمیسیون دادگستری و موضوعی که در این گزارش مطرح است قابل بحث نیست اشکال بنده و تأسف بنده هم همین است زیرا انتخابات یکی از شئون ملی است. انتخابات حق ملت است، انتخابات آزادی میخواهند، انتخابات عدم دخالت میخواهند و این دخالت در امر انتخابات کار يك نفر و دو نفر نبوده است باید همه را تعقیب کرد آنچه را که دیدیم کار يك دستگاه و کار يك جماعتی بود آن استانداری که صورت مجلس جعل کرد آن استانداری که پول گرفت آن فرمانداری که متشبه و متوسل شد آن مأمورینی که دخالت غیر مشروع کردند و دخالتهای غیر مشروع دادند بالاخره تمام این دستگاه باید تعقیب شوند و همه باید مجازات شوند ولی متأسفانه در قانون مجازات عمومی ما مقرراتی برای این موضوع نداریم و آنچه که داریم امروز کافی برای این عمل نیست اگر آقایان تصدیق میفرمایند که صحیح است بایستی توجه بفرمایند برای مداخله کنندگان در انتخابات مجازاتی وضع شود ما سه ماده قانون داریم که دو تا در قانون مجازات عمومی است و یکی در قانون انتخابات در قانون انتخابات ماده ۴۴ است که مینویسد: انتخاباتی که از روی تهدید یا تطمیع باشد باطل است و تهدید کننده و تطمیع کننده بفلان مجازات که جنحه و یکسال حبس است محکوم میشود و مجازات میشود و دو ماده قانون هست در قانون مجازات

عمومی یکی ماده ۸۳ است راجع بسلب آزادی ملت است از حقوق ملی و یکی هم مقررات مربوط بمشروع جرم است که در ماده ۲۳ قانون مجازات عمومی بآن تصریح شده و هیچیک از این مواد کافی برای تعقیب نیست (فداکار - ماده ۲۳۸ هم هست) ماده ۲۳۸ - هم مربوط بکلاه برداری است که هر کس متوسل بوسائل غیر مشروع شود که مال غیر را ببرد بشش ماه آلی دو سال محکوم میشود اگر مشروع کرده است چه جور و اگر مشروع نکرده است چه جور مجازات شود و ماده ۲۳۸ راجع بانتهایب نیست ممکن است يك مأموری از طریق انتخابات کلاه برداری کرده باشد بنده حق میدهم در این مورد با آقای فداکار مثلاً يك حاکمی بکنفر را بترشد که من با تو همراهی میکنم که تو و کیل شوی و يك چیزی هم از او میگیرد و بعد هم با او همراهی نکند و پول او را بخورد اینجا حق با آقا است و در گزارش کمیسیون که مطرح است از نظر قضائی اگر بهش توجه کنید چند تلگراف در آنجا مورد توجه است یکی تلگراف راجع با آقای مصباح زاده است و يك تلگراف راجع بمحلات است این دو موضوع را میگویند قابل تعقیب نیست (بعضی از نمایندگان - راجع بشهرضاهم هست) یکی هم راجع بشهرضا است که ایراد کرده اند چرا جواب داده است و فرماندار را از خدمت منصرف کرده است و دلایل تصمیم کمیسیون نسبت بعدم تعقیب این دو مورد در گزارش کمیسیون ذکر شده است و این که آقای فرخ میفرمایند که در منزل بکنفر از تجار جلسه ای شده است و مذاکراتی در ریسک امور مالی هم پیش آمده است بنده تردیدی در فرمایشات ایشان نمیکنم و اطلاعی هم از این جریان ندارم ولی این چیزها مورد بحث در گزارش کمیسیون نیست متأسفانه نیست و بنده تأسف دارم که چرا نیست و باید شما آقایان نمایندگان محترم توجه کنید بنام آزادی ملی و حفظ حقوق ملت یکی دو ماده بگذارید که برای اشخاصی که در امر انتخابات مداخلاتی کرده اند مجازات سختی قائل شوید که برای مرتکبین سر مشقی باشد و بعدها دیگر کسی این کار را نکند و این اشخاص را به شدیدترین مجازات محکوم کنید اما تا وقتی که وسائل تعقیب ما در این

قضایا منحصر بهمین موادی است که عرض کردم غیر از این تصمیمی که کمیسیون اتخاذ کرده است صحیح نیست يك قضیه‌های را بنده بخاطر آمدن لازم است عرض کنم آقای منصور والی خراسان وزیر طرق بود ایشان را تعقیب کردند و آن محاکمات مفصل وزارت راه پیش می آمد که آقایان بخاطر دارند آقای صدرالاشراف وزیر داد گستری بودند این را آوردند بمجلس وبالاخره به کمیسیون داد گستری آمد در کمیسیون داد گستری شش نفر انتخاب شدیم بعنوان سو کمیسیون قضیه را تحقیق بکنند بنده و آقای جشمیدی در این کار دخالت نکردیم و چهار نفر اقدام کردند و تحقیقاتی کردند و آمدند و گزارش دادند روزی که این قضیه در کمیسیون داد گستری مطرح شد بنده و مرحوم احتشام زاده در این موضوع رأی ندادیم و گفتیم که این جرم نیست و در کمیسیون داد گستری گفتیم که این قضیه قابل تعقیب نیست درست است که در وزارت طرق دزدی زیاد شده است درست است که پول مردم زیاد در آنجا تلف شده است ولی این مورد جرم نیست اگر در کشتی شن کش جنوب رعایت مناقصه نشده و در بعضی قسمتهای دیگر مناقصه ها رعایت نشده جرمی برای وزیر مطابق این اسناد موجود نیست این مسئله را ما گفتیم و کفر گفتیم و البته چوبش را هم خوردیم و اذیت هم شدیم و این مسئله از کمیسیون آمد به مجلس و البته هیچ صحبتی هم نمیشد و رفت بدیوان کشور و رسیدگی شد البته امروز آقایانی که تشویق میفرمایند و تصدیق میفرمایند و میگویند آقای مقانی قاضی رشیدی است برای این است که ایشان در يك محاکماتی نظیر این جور محاکمات وارد نشد و رأی نداد دیوان کشور يك مرجع قضائی است که آخرین نقطه اتکاء و آخرین مرجع قضائی مملکت است باید آنجا مصون و محفوظ از هر گونه تأثیری باشد چه از طرف اشخاص و چه از طرف مجلس شورای ملی باید مصون باشد اما يك حرف را هم باید زد و آن این است که قوه مقننه که قیام و قعودش برای مملکت ارزش دارد و ایجاد يك حقی میکند و وضع يك میکند که قابل اجرا است نباید يك نظری

بدهد فردا دیوان کشور آن نظر را صحیح نشناسد و این معناً برای مجلس شورای ملی کسر است که يك چنین رأی بدهد و اگر ما روی اصل موضوع صحبت کنیم و خارج از موضوع نشویم و باطراف و حاشیه نرویم مطلب حل میشود بنده با آقای فرخ مماشات میکنم و میگویم که مقصود آقای سهیلی از تلگراف اینست که فلان زید را فراموش نکنید این باشد که فلان شخص را حتماً انتخاب بکنید این باشد که حاکم در فلان قضیه دخالت نامشروع میکند باید اول فرض کنیم که این جرم است یا نیست و اگر جرم باشد جنایت است یا جنحه البته جنایت که نیست برای این که مشمول ماده ۴۴ میشود که میگوید تطمیع کننده یا تهدید کننده در امر انتخابات فلان مجازات را دارد و مجازاتش هم مجازات جنحه است و بعد باید دید که این تلگرافی را که این شخص کرده است اجرا شد یا نشد دیدیم که اجرا نشد یعنی آن دستور را داد و اجرا نشد در این صورت شما دیگر با آن حرفی ندارید (ثقة الاسلامی - در خیل جاها شد) صحبت در این قسمت هائی است که مطرح است و شما آقای فرخ چون در قسمت مثبت حرفی ندارید فعلاً در قسمت منفی وارد شدید ولی وقتی که دستوری داد و اجرا نشد پس این میشود شروع بجرم یعنی يك عملی را شروع کرد و خاتمه نیافت مطابق ماده ۲۳ قانون مجازات عمومی شروع بارتکاب جنحه فقط در صورتی مستلزم مجازات است که در قانون تصریح بآن شده باشد و برای شروع به جنحه در بعضی موارد ذکر مجازات شده است مثل سرعت های در شب ولی در بعضی جاها ذکر مجازات نشده است اما برای شروع به جنایت هم يك ماده داریم ولی مورد اختلاف نظر است که سلب آزادی ملت (اختلاف در کبری میکنم) گو این که سلب شده باشد شروع بعمل مجازات دارد یا نه دستة میگویند هر کس که شروع به جنایت کرد اگر بمیل خود آن عمل را ترك کند از جهت جنایت منظوره مجازات نخواهد شد و در صورتی مجازات دارد که مقدماتی که منصرف کرده است جانی را از ارتکاب جنایت از حیطة اقتدار خودش خارج باشد مثلاً کسی قصد قتل زیدی را دارد و شب است آن

شخص تفنگش را فشنک گذاشته است و قراول رفته و رفته است در تخت خواب او و تیر را زده است اما اتفاقاً آن شخص آنجا نخواستید بود و آن شخص مقتول نشده است در اینحال آیا آن شخص باید تبرئه شود؟ خیر برای اینکه او مقدمات عمل را طوری ترتیب داده بود که بایستی این قتل واقع شود ولی اتفاقاً واقع نشده است پس این را نمیشود تعبیر به مقدمات شروع جنایت نمود علت اینکه بنده خیلای خشک در امور قضائی توضیح میدهم این است که بنده معتمد قضاوت مجلس شورای ملی در این مورد بخصوص قضاوت قضائی است و قضاوت قانونی است و قضاوت سیاسی نیست من هم شاید با آقایان موافق هستم که باید چشممان را هم بگذاریم يك رائی بدیم و شاید بنده هم موافق باشم آقای فرخ من هم از رنج بردگان این دستگاه هستم بنده هم دلایلی دارم که این آقایان و این اشخاص بر علیه من چه کردند و پنج ماه در آن حرارت پنجاه و پنج درجه من معطل بودم و چه کارها کردند بر علیه من حتی دوستان صمیمی و رفقای من که در مجلس بودند ما یوس بودند و جواب تلگراف استعمال سلامتی را به بنده ندادند و من این زحمات را فراموش نمیکنم مع هذا بنده عقیده دارم این قضاوت سیاسی نیست اگر باشد شأن مجلس نیست که روی این قضاوت مجلس دیوان کشور قضاوت کند باید رأی مجلس قطعی باشد و هر رائی که میخواهد بدهد ولی حالا دو نظر متممی در کار است یعنی يك عده قاضی دور از منطقه سیاست نباید بنشینند و نظر قضائی روی نظر شما بدهند بایستی مجلس شورای ملی طوری نظر بدهد که نظرش در دستگاه قضائی نقض بشود نسبت با اعلام جرمهای دیگری که آقای فرخ فرمودند البته آنها سیر خودش را میکنند و بنده خواهش میکنم از آقای فرخ با این فکر مقدسی که دارند يك کار دیگری بکنند يك زمينه فراهم کنند يك کمیسیونی تشکیل بدهند و يك مقدماتی فراهم کنند و يك مقرراتی وضع کنند که رسیدگی بمداخله دولت و هر دستگاه دیگری که هست از فرماندارو استاندارو رئیس امنیه و رئیس نظمی از تمام این اشخاص

(يك نفر از نمایندگان - وبالایتر) يك قدری بالاتر و بالاتر تا عرض اعلی هر کس دخالت کرده است در این کار تعقیب شود و اگر کمیسیونی در اینکار بوده است معلوم شود و با آن ماده که آقای فداکار تذکر دادند که کلاه برداری کرده و پول گرفته و يك تشبیهاتی کرده اند که ما را کسانده است بيك پر تگهای خطرناکی که واقعاً ما فکر نمیکردیم که در انتخابات دچار این زحمت بشویم نسبت بتمام این عملیات تحقیقاتی بشود یعنی کمیسیون داد گستری يك سو کمیسیونی تشکیل بدهد و اتفاق نمایندگان وزارت عدلیه و مأمورین تحقیق جرائم تمام این دستگاه تعقیب شوند و در نتیجه آن کسی که مأمور دولت است بدیوان جزا فرستاده شود آن کسی که وزیر است بمجلس شورای ملی آورده شود بنده با تمام این عمل موافقم اما فعلاً این دو تا تلگراف و این کاغذ هائی که هست چیزی نیست که ما بتوانیم مدرک قطعی برای تعقیب این موضوع قرار دهیم و بعقیده قضائی من قابل تعقیب نیست و در کمیسیون هم بنده رأی موافق دادم یعنی رأی دادم بغیر قابل تعقیب بودن این اتهامی که شما وارد آوردید باین صورت اگر قاضی هم بودم در محکمه و در دیوان کشور هم همین رأی را میدادم و تحت تأثیر هم واقع نمیشدم و فریادهائی هم که جرائد میزدند آنها هم البته بجای خودش مقدس است جراید چون يك ارگانی هستند که در سیاست حق مداخله دارند و این فریادها هم از نظر مصالح کشور است و مجلس باید بآن توجه کند و نباید با آنها بی اعتنائی کرد و باید آن موضوعاتی که جراید مینویسند اینها را توجه کرد و راهش را باز کرد ولی با وجود تمام اینها با این دو تلگراف و سه تا ماده که در قوانین ما هست متأسفانه قضیه قابل تعقیب نیست و بنده هم از لحاظ قضائی رأی موافق خواهم داد .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات ...

مهندس فریور - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم اگر

میخواهید رأی بگیری اجازه بفرمائید بنده مخالفت خود را عرض کنم

رئیس - بفرمائید .

**مهندس فریور** - راجع به کفایت مذاکرات یا اصل مطلب؟ (رئیس - راجع به کفایت مذاکرات) يك مطالبی آقای نقابت فرمودند که ممکن است در رأی مجلس مؤثر باشد و بنظر بنده تا اندازه اذهان را مشوب کرده است ایشان خودشان گفتند وارد حواشی نشویم ولی خودشان بیشتر وارد حواشی شدند ایشان وارد این شدند که قضاوت مجلس قضاوت سیاسی است با قضاوت قضائی ایشان عقیده داشتند قضاوت مجلس قضائی است ولی بنظر بنده قضاوت سیاسی است اگر مجلس بگوید که فلان شخص در انتخابات مداخله کرده است و محکوم است بر فرض نظر جنابعالی که دیوان کشور هم بگوید که ما ماده نداریم که با این عمل تطبیق کند مجلس عملش صحیح بوده است بعلاوه بنده این جا نگاه میکردم ماده ۱۲۹ بنظرم رسید که میگوید: ( هر يك از مستخدمین دولتی در هر مرتبه و مقامی که باشد هر گاه برای جلوگیری از اجرای او امر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی یا اجرای احکام یا او امر عدلیه یا هر گونه امری که از مقامات قانونی صادر شده باشد قدرت رسمی خود را اعمال کند از خدمت دولت منفصل خواهد شد) و بنظر بنده این ماده برای تعقیب قضیه کافی است (رئیس - راجع به کفایت مذاکرات بفرمائید) بهمین دلایل میخواهم عرض کنم که مذاکرات کافی نیست و موادی هست که منطبق با جرم میکند، و اجازه بفرمائید که بنده عرایض خودم را عرض کنم ما نباید سنگ اشخاص را زیاد بسینه بزیم آقای دو عمل شده است در این مملکت که یکی سهواً انجام شد و یکی هم عمداً و بنظر بنده این دو عمل موجب شد که ما نتوانستیم آنطور که باید از مجلس و حکومت ملی استفاده کنیم یکی را سهواً مرحوم ذکاء الملک فروغی کرد که میبایستی روز بیست و سوم شهر یور مجلس را خاتمه داده باشد و انتخابات را تجدید کرده باشد و سهواً اینکار را نکرد و یکی هم عمل سهیلی که در امر انتخابات این دخالت را کرد این کار تمام چیزهای این مملکت صدمه زد پس اینقدر سنگ يك چنین شخصی را به سینه نزنید من میدانم دخالت این شخص در امر انتخابات به خود آقای طباطبائی رئیس مجلس هم که رئیس انجمن

نظارت مرکز بودند واضح و روشن است حالاهم بنده عقیده دارم که ما باید رأی بدهیم که این شخص در امر انتخابات مداخله کرده است بعد دیوان کشور بگوید که من ماده ای ندارم که این جرم را با آن تطبیق کنم در صورتیکه بنظر بنده قضاوت مجلس قضاوت سیاسی است و ماده ۲۸ قانون مجازات عمومی هم کاملاً مطابقه با این اتهام میکند.

**رئیس** - آقایانی که با کفایت مذاکرات موافقتند...  
**دکتر شفق** - اجازه میفرمائید؟ (جمعی از نمایندگان - اعلام رأی شد آقای)

**رئیس** - آقایانیکه با کفایت مذاکرات موافقت قیام فرمایند (عده کمی قیام نمودند) تصویب نشد.

**فرخ** - بنده عرض دارم اجازه میفرمائید؟  
**رئیس** - بفرمائید.

**فرخ** - الآن یکساعت و ربع از ظهر گذشته است و وقت گذشته است دعایمکنم آقایان موافقت بفرمایند جلسه بعنوان تنفس تعطیل شود و بقیه مذاکرات صبح پنجشنبه بشود و بعد رأی گرفته شود (صحیح است).  
**رئیس** - آقای نقابت.

**نقابت** - بنده با این پیشنهاد مخالفم عقیده ندارم فعلاً جلسه ختم شود برای اینکه فعلاً يك مسئله مطرح شده اول جلسات که یکمده قبل از دستور مذاکره میفرمایند و بعد هم يك مدتی راجع به دستور مذاکره میشود بعد که يك مطلبی مطرح میشود و مدتی وقت آقایان صرف میشود تا میخواهد منطق تأثیر خودش را در آتموسفر مجلس بکند مواجه با پیشنهاد ختم جلسه میشویم این است که هیچ کاری تمام نمیشود و جلسه دیگر هم همین ترتیب خواهد بود این است که بنده با ختم جلسه مخالفم.

**رئیس** - کفایت مذاکرات که تصویب نشد حالا اگر آقایان تردید دارند دو مرتبه رأی گرفته شود (جمعی از نمایندگان - خیر رد شد تجدید رأی لازم نیست - به ختم جلسه رأی بگیریید) عده کافی نیست آقای هاشمی.

**هاشمی** - بنده باز ایراد دارم بروش مجلس مادام که

ترتیب مذاکرات مجلس منظم نباشد کاری از پیش نمی رود وقتی که اعلام رأی میشود آقایان مراعات نمیکنند که کسی بلند نشود حرف بزند موقعی که رأی گرفته میشود آقای د کتر شفق مشغول مذاکره بودند و آقایان دیگر هم در موقع رأی خارج میشوند این است که نمیشود تصمیم قاطعی در مجلس گرفت و کارهای مجلس درست نخواهد شد جز اینکه متاصحیحاً مواد نظامنامه را مراعات کنیم تا نتیجه حاصل شود. این بود عرض بنده.

**رئیس** - آقای فرمند پیشنهادی داده اند خوانده میشود: پیشنهاد میکنم که تنفس داده شود.

**بعضی از نمایندگان** - وقتی قرار است جلسه پنجشنبه بشود چرا تنفس داده شود و ختم نشود؟

**فرمند** - مقصود بنده از تنفس اینست که اجازه هائی که داده شود و مطلبی که مطرح است محفوظ بماند و در جلسه دیگر عیناً همین دستور تعقیب شود و ما باید این موضوع را اهمیت بدهیم این مسئله بی اهمیتی نیست.

**رئیس** - آقای مخبر فرمند هم پیشنهادی کرده اند که مطلب بر گردد بکمسیون.

**عده از نمایندگان** - بهمان پیشنهاد آقای فرمند رأی بگیریید.

**رئیس آقای مخبر فرمند**.

**مخبر فرمند** - اینکه بنده پیشنهاد کردم که این موضوع بر گردد بکمسیون برای اینست که آقای فرخ

امروز دو اعلام جرم هم فرمودند و ممکن است در این خبر کمیسیون مجلس رأی موافق بدهد آنوقت و پایه آن دو اعلام جرمی که شده است سست میشود بعقیده بنده این موضوع قابل اهمیت است دولتها باید بدانند که ملت زنده است و اگر اشخاصی در حق ملت مداخله داشته اند باید رسیدگی شود اگر واقعاً مداخله داشته اند که تعقیب میشوند اگر هم مداخله نداشته اند که تبرئه میشوند باید باین جهت بنده پیشنهاد کردم که این خبر کمیسیون با دو اعلام جرم دیگر بر گردد بکمسیون دادگستری و با دو اعلام جرم دیگری هم که شده است يك جا رسیدگی شود (صحیح است)

**رئیس** - دو پیشنهاد دیگر هم رسیده است (دکتر عبده پیشنهاد آقای مخبر فرمند را بخوانند) (شرح سابق خوانده شد)

**دکتر عبده** (مخبر کمیسیون دادگستری) - بنده هم پیشنهاد آقای مخبر فرمند را قبول میکنم و تقاضا میکنم این خبر بکمسیون دادگستری بر گردد.

**رئیس** - پس بالاخره این خبر مجدداً بکمسیون مراجعه میشود (صحیح است)

(۶ - موقع ودستور جلسه بعد - ختم جلسه)  
**رئیس** - اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنم (صحیح است) جلسه آتیه روز پنجشنبه ۵ مرداد سه ساعت

پیش از ظهر دستور هم بقیه دستور امروز (مجلس یکساعت و نیم بعد از ظهر ختم شد)  
**رئیس مجلس شورای ملی** - محمد صادق طباطبائی